

اضطراب

در اشعار فروغ فرخزاد و غادة السمان

(نقد تطبیقی)

پروین پناهی

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

سرشناسه	پناهی، پروین، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	اضطراب در اشعار فروغ فرخزاد و غادةالسمان (نقد تطبیقی) / پروین پناهی
مشخصات نشر	تهران: روشنگران و مطالعات زنان ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۲۴۸ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۴-۱۰۶-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
موضوع	فرخزاد، فروغ، ۱۳۱۳ - ۱۳۴۵ -- نقد و تفسیر
موضوع	سمان، غادة، ۱۹۴۱ ؟ - م. نقد و تفسیر
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴ -- شعر عربی -- قرن ۲۰ م. تاریخ و نقد
موضوع	ادبیات تطبیقی -- فارسی و عربی - عربی و فارسی
موضوع	زنان شاعر ایرانی و عرب -- سرگذشتنامه
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ ۶ الف ۹ ب / PIR ۸۱۶۴
رده‌بندی دیوبی	۸ فا ۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۲۸۴۵۹

اضطراب در اشعار فروغ فرخزاد و غادةالسمان (نقد تطبیقی)

نوشته‌ی: پروین پناهی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مریم فزون

نوبت چاپ و تاریخ: اول ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: ایماژ

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان تلفاکس: ۸۸۷۲۳۹۳۹ - ۸۸۷۲۲۶۶۵ - ۸۸۷۱۶۳۹۱

آدرس: تهران، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی، میدان فرهنگ، خیابان سی‌وسوم، نبش خیابان

آماج، پلاک ۲۱، طبقه همکف واحد ۳ صندوق پستی: ۱۵۸۱۷-۵۸۱۷

پست الکترونیک: roshangaran68@gmail.com

مراکز پخش و فروش: ۱- شبکه‌پستی و سایت تلفن: ۸۸۷۱۶۳۹۱ - ۸۸۷۲۳۹۳۶

۲- پخش ققنوس: تلفن ۴۳ الی ۶۶۴۰۸۶۴۰

۳- پخش گزیده: تلفن ۶۶۴۰۰۹۸۷

۴- پخش گسترش: تلفن ۷۷۳۵۰۹۷۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۴-۱۰۶-۴

978-964-194-106-4

با سپاس از استاد عزیزم سرکار خانم فاطمه پاک‌رو که صمیمانه
مرا همراهی کردند و در تمام مراحل پشتیبان من بودند و همچنین
سرکار خانم شهلا لاهیجی که به من اعتماد کردند و مرا به عنوان
پژوهش‌گری نوپا تحت حمایت خویش قرار دادند.

فهرست مطالب

۹	یادداشت.....
۱۳	چکیده.....
۱۵	مقدمه.....
۲۱	فصل اول: کلیات پژوهش.....
۲۱	بیان مسأله.....
۲۱	اهمیت پژوهش.....
۲۲	سوال مورد پژوهش.....
۲۳	پیشینه‌ی پژوهش.....
۲۳	روش تحقیق.....
۲۵	فصل دوم: مبانی نظری.....
۲۵	قرن بیستم و پیچیدگی انسان مدرن.....
۳۰	نوشتار مدرن و دلهره و اضطراب در ادبیات قرن بیستم.....
۳۴	مفهوم اضطراب در ادبیات.....
۳۸	تعریف اگریستانسیالیسم.....
۴۵	شعر نو و چند صدایی.....
۴۹	فمینیسم.....
۵۵	تاریخ فمینیسم.....

۶۱	فمینیسم در ایران
۶۶	انعکاس فمینیست در شعر ایران
۶۷	انعکاس فمینیسم در شعر غرب
۷۰	اضطراب در روان‌کاوی زنان
۷۵	فصل سوم: مبانی تاریخی
۷۵	اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان عرب
۸۲	مسئله‌ی فلسطین
۸۹	شعر فلسطین
۹۲	سهم زنان در تحول شعر عرب
۹۳	نازک‌الملاتکه
۹۷	مروری گذرا بر تاریخ ایران قبل از مشروطه
۱۰۲	مشروطه: دوره‌ی تجدد (۱۹۰۶)
۱۰۶	دوره‌ی پهلوی: (۱۳۰۴-۱۳۲۰)
۱۱۲	شعر نو در سال‌های کودتای ۱۳۳۲ به بعد
۱۱۷	فصل چهارم: زندگی‌نامه‌ی فروغ فرخ‌زاد وغادةالسمان
۱۱۷	شرح احوال و آثار فروغ فرخ‌زاد: (۱۳۴۵-۱۳۱۳)
۱۲۰	آثار فروغ فرخ‌زاد
۱۲۶	نیمایوشیج و تأثیر آن بر فروغ (شعر نوی نیمایی)
۱۳۱	شرح احوال و آثار غادةالسمان
۱۴۵	فصل پنجم: نقد تطبیقی دلهره و اضطراب در شعر فروغ فرخ‌زاد و غادةالسمان
۱۴۵	تعریف نقد
۱۵۰	نشانه‌های اضطراب
۱۵۰	اضطراب عمومی
۱۶۱	اضطراب تنهایی
۱۶۹	اضطراب مرگ
۱۸۲	شب تصویری از اضطراب

فهرست... / ۷

۱۸۵	اضطراب جنس دوم بودن
۱۸۷	اضطراب زن در طول تاریخ
۱۹۵	اضطراب چند همسری
۱۹۸	اضطراب نبود آزادی
۲۰۵	اضطراب دوری از وطن (غربت)
۲۲۳	اضطراب جنگ
۲۳۴	تساوی دیگرگی از جنگ
۲۳۷	امید به آینده
۲۴۲	فهرست منابع

یادداشت

نخستین بار سورن کی‌یرکگارد (Soren Kierkegaard) فیلسوف مسیحی دانمارکی مسأله اضطراب و دلهره‌ی ابراهیم را مطرح کرد. ابراهیم (ع) به فرمان خداوند باید پسرش را قربانی کند، اما او بر دلهره‌ی پدرانه غلبه می‌کند و به دستور خالق یکتا گردن می‌نهد. شاید این مسأله را بتوان با تفویض امر در عرفان ایرانی شبیه دانست. در عرفان ایرانی سالک پس از رسیدن به بلوغ، مختار می‌گردد و پس از رسیدن به اختیار، آگاهانه و آزادانه، تفویض امر به خداوند می‌کند؛ بدین معنا که کارش را به خدا وامی‌گذارد و سرسپرده‌ی مشیت و خواست معشوق ازلی می‌گردد. بنابراین ابراهیم به قربانگاه می‌رود تا پسرش را قربانی کند.

کی‌یرکگارد با مطرح کردن وضعیت هولناک ابراهیم و نیز مسأله انتخاب، می‌گوید انسان آزاد است. ابراهیم هم آزاد بود که یکی از این دو را انتخاب کند. درحقیقت، این بر سر دوراهی قرارگرفتن، به ابراهیم این قدرت را می‌دهد که با جهش ایمانی، انتخاب درست را انجام دهد. به بیان دیگر انسان در معنای اضطراب و دلهره است، دلهره‌ی انتخاب.

باید بگوییم که پس از انقلاب صنعتی، عصر اضطراب و دلهره‌ی بشر در معنای جدید خود، آغاز می‌گردد. هنگامی که با اختراعات مختلف سود و سرمایه به طرز شگفت‌آوری افزون گردید و به قول مورخان، اقتصاد به پرواز درآمد، عصر بیگانگی انسان نسبت به خویشتن آغاز شد. با رشد روزافزون سرمایه و سود، اندک‌اندک شیء‌وارگی انسان، بیشتر به چشم می‌خورد و کارگران کارخانه‌ها و مزارع به صورت ابزارهایی ناچیز درآمدند و با برآمدن زور و زر، انسان به حشره‌ای تبدیل شد که در چنبره یکنواخت کارخانه و نظام اداری آن گرفتار گردید و کافکا مرگینگی انسان و مسخ او را به حشره، اعلان کرد.

قرن بیستم در چشم‌انداز متفکران قرن نوزدهم، قرن سعادت بشر، به‌نظر می‌آمد اما با دو جنگ خانمان‌سوز، جهانی اول و دوم، جهان به برهوتی خراب تبدیل شد. شاعرانی چون تی اس الیوت، ایرلندی و یانیس ریتسوس یونانی، بر ویرانه‌ی این سرزمین هرز، مویه ساز کردند.

فروغ فرخ‌زاد شاعر ایرانی شاعر روزگار اضطراب مضاعف است: اضطراب زن‌بودن و دلهره‌ی آینده‌ی انسانی که جنس دوم خود را هنوز از خودش نمی‌داند. این جامعه انسانی با بدنی لمس و نیمه، چگونه خواهد توانست سعادت‌مند گردد!

در روزگاری که فروغ فرخ‌زاد و غادةالسمان، از آن پرده برمی‌دارند، زن غنیمتی است که به وسیله‌ی مرد فتح، می‌شود و بخشی از مایملک او می‌گردد. روزگاری که عشق، جایگاهی ندارد. احساس مادرانه‌ی شاعر و احساس عاطفی او به جنس مخالف، و نیز انسان‌دوستی او، اضطرابی طاقت‌شکن را بر او مستولی ساخته است. این اضطراب کشنده، برای مردش قابل ادراک نیست. زیرا مرد

او قدرت انتخاب را از دست داده است و سرسپرده‌ی غریزه‌ی نرینگی، گردیده است. و به همان موجودی بدل شده است که به قول عارفان ما، خشم و شهوت می‌راند و جهان را به آوردگاهی خونین تبدیل کرده است. به بیان دیگر او از خود سلب اختیار کرده و امر خود را به خشم و شهوت جانورگونه، تفویض کرده است.

در این میان غادةالسمان، افزون بر اضطراباتی که بیان شد، اضطراب دیگری را نیز تجربه کرده است؛ جنگ‌های داخلی لبنان و تراژدی فلسطین که همچون زخمی هولناک و زنده، روح انسان را از درون می‌خورد و می‌تراشد.

جهل و توحش، از انسان موجودی ساخته است که حتی به نابودی کره‌ی زمین و زادگاه خویش برخاسته است. او با دردست داشتن ابزار تکنولوژی، با جهلی علمی، به کشتن خویشتن و برباد دادن آینده، برخاسته است. با سرمستی این انسان، که اکنون خویشتن را مافوق مدرن می‌داند، نظام عشق، خانواده، جامعه‌ی انسانی، روابط و تعامل فرهنگ‌ها و و مدنیت‌ها، برباد رفته است.

این دو زن فرهیخته، تمامی احساسات مادرانه و عاشقانه‌ی خود را جانمایه شعر خود کرده‌اند تا به جهان مردانه، که از حوزه‌ی انسان مختار و کارساز و با ایمان، به سوی سبّیت به پیش می‌رود، هشدار دهند. آنان در شعرشان می‌کوشند تا انسان از یاد رفته را که در فرهنگ معنوی و انسان‌دوست مشرق زمین، جایگاهی درخشان داشته است، دوباره کشف کنند.

کتابی که اکنون در پیش روی دارید، کوششی است پسندیده که بر آن است تا فروغ فرخزاد و غادةالسمان را به‌عنوان دو انسان فرهیخته و متعهد، که برای سرنوشت بشریت، مضطرب و نگران هستند، به تصویر کشد و با آنکه آنان در دو کشور مختلف می‌زیند،

۱۲ / نقد تطبیقی اضطراب در اشعار ...

همسان اندیشی آنان را به عنوان دو زن شرقیِ همدرد و هم‌زَم،
نشان دهد.

عبدالحسین فرزاد- مردادماه ۱۳۹۴

چکیده

این پژوهش با عنوان بررسی نقد تطبیقی اضطراب در اشعار فروغ فرخزاد و غادةالسمان درصدد است تا نشان بدهد که زنان در زندگی خود با نوعی اضطراب و پریشانی روبه‌رو هستند که ناشی از شرایط نامساعد زندگی و رفتاری است که جامعه‌ی مردسالار برای آنان تعریف می‌کند. ضرورت پرداختن به این مسأله از شهرت و اهمیت دو شاعری ناشی می‌شود که علیه سنت‌ها و کلیشه‌های جامعه‌ی سنتی خود قد برافراشتند. فروغ فرخزاد به‌عنوان یکی از نمایندگان جریان نوظهور در ایران و غادةالسمان نیز به‌عنوان روشنفکری که برای زنان در بند عرب، آزادی‌طلب می‌کند. مسئله‌ای که این دو شاعر را به هم نزدیک می‌کند جنسیت آن‌هاست و در شعر هر دو شاعر رگه‌هایی از دغدغه‌ها و اضطراب‌هایی وجود دارد که ناشی از (جنس دوم) محسوب شدن آن‌هاست. آنچه که اضطراب مشترک زنان جهان است. علاوه بر این، در آثار فروغ و

غاده، اضطراب‌های دیگری همچون اضطراب تنهایی، اضطراب جنگ، اضطراب غربت و دوری از وطن و اضطراب مرگ نیز مشترک هستند که البته اضطراب جنگ در اشعار غاده‌السمان به خاطر جنگ‌های جهان عرب، بیش از فروغ فرخزاد است.

کلید واژه‌ها: فروغ فرخزاد / غاده‌السمان / اضطراب / نقد تطبیقی / جنبش زنان

مقدمه

این پژوهش بر آن است افکار و اندیشه‌های دو شاعر روشنفکر، فروغ فرخزاد و غادةالسمان را با محوریت اضطراب در آثارشان مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد که این دو شاعر اشتراکات بسیاری با هم داشته باشند زیرا هر دو زن هستند و هر دو در جامعه‌ی مردسالار شرقی، متولد شده‌اند. آن‌ها برای بیان عقاید خود دشواری‌های بسیاری کشیدند و ادبیات تطبیقی با هدف برشمردن این اشتراکات و نزدیک‌تر کردن ملت‌ها، سعی دارد این دو را با هم مقایسه کند. یکی از اهداف ادبیات تطبیقی یافتن وحدت‌هاست زیرا صدای مشترک بین انسان‌ها می‌تواند پیام‌آور صلح و درد مشترک باشد و بشریت را به هم نزدیک کند.

ادبیات تطبیقی به بررسی تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف و روابط آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر و تأثر در حوزه‌های هنری، جریان‌های فکری مکاتب ادبی، موضوع‌ها و افراد می‌پردازد. در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه‌ی بشری پی‌برد که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی ادیب و شاعر، مطرح می‌شود و

در نقطه‌ی دیگر همان اندیشه به‌گونه‌ای مجال بروز می‌یابد.

گفتیم یکی از اشتراکاتی که باعث نزدیکی این دو شاعر شده، زن بودن آن‌هاست. این دو، زبانی زنانه دارند و هر دو به اوضاع نابه‌سامان جامعه‌ی جهان سومی خود معترض‌اند. هر دو سعی دارند اعتراض خود را در اشعارشان نمایان سازند و برای بیان رسالت سختی که خود برگزیده‌اند اضطراب دارند. شعر آن‌ها شعری زنانه است که خواستار برابری حقوق مردان و زنان است. در این میان گرایش‌ات فمینیسمی پدید می‌آید که هدفش از بین بردن ستم و تبعیض علیه زنان است. باید توجه داشت که در هیچ جای فمینیسم زن‌سالاری مورد هدف نبوده و نیست بلکه خواهان شرایط برابر و پایان دادن به تمام تحقیرهایی است که در شرایط زنان وجود دارد.

غاده‌السمان در این باره می‌گوید: «من همواره در برابر وارد کردن آزادی از نوع آمریکایی، که مرد را دشمن زن می‌داند، ایستاده‌ام و خواستار همانندی بین زن و مرد نیستم بلکه خواستار تکامل هستم. به نظر من زن جاهل با مرد جاهل برابر، و زن دانا با مرد دانا برابر است. همچنین بر این باورم که ماموریت متحول کردن وضع زن و آزادی او، ماموریتی صرفاً مردانه یا زنانه نیست؛ زیرا وطن نمی‌تواند برخیزد در حالی که نیمی از بدن او لمس و فلج باشد.»

با مطالعه‌ی آثار فروغ فرخزاد و غاده‌السمان به این مهم پی می‌بریم که وقتی آن‌ها از رنجشان در شعر می‌گویند آوای مشترکی دارند. آن‌ها همواره عشق می‌طلبند اما نه در قفس، بلکه در آزادی! اگرچه پیشوایان و راهنمایان اقوام و ملل با پیشرفت تاریخ و بسط تمدن در هر عصر و زمانی خواسته‌اند از سختی فشار مرد بر زن بکاهند و تا حدی نیز کاسته‌اند، با این همه، در بیشتر دوره‌های تاریخی، کمابیش زن، کنیز و اسیر مرد بوده است. چیزی که در آثار

این دو شاعر مورد بررسی قرار می‌گیرد نقد اضطرابی است که ناشی از سرخوردگی‌های آن‌ها در جوامعی مردسالار است. هر دو شاعر سعی دارند علیه سنت‌ها و کلیشه‌های دست و پا گیر جامعه‌ی خود قیام کنند. تا جایی که هر دو در شعر زنانه، سردمدار جامعه‌ی خویشند. روشنفکر همواره در پی آبادانی وطن خود بوده و به‌خصوص زنان روشنفکر هرگز به فکر جدایی زنان و مردان نیستند بلکه سعی آن‌ها، آگاه نمودن جامعه به‌طور همگانی است. این دو معتقدند که اگر مردان جوامع شرقی بر حقوق زنان تبعیضی قائل شدند باید تغییر کرده و آنان را آگاه کرد و این تبعیضات، دردی همگانی و یکی از رنج‌های انسان مدرن است. درک بسیار عمیق از رنج‌های آدمی در جهان هستی و بیان غریزی آن از دیگر وجوه تشابه این دو شاعر محسوب می‌شود. هر دو درد و رنج‌های بشر جدید را در دوره‌ی مدرنیته با عمق جان حس کردند و از روح حساس خود بر زبان لطیف شاعرانه‌شان جاری کرده‌اند. نظریات فمینیستی و روشنگرانه فروغ، گرایش نظری است که از دل اشعارش به بیرون می‌ترواد. فروغ فرخ‌زاد به زنان طوری نگاه می‌کند که تاکنون به رسمیت شناخته نشده‌اند و به‌عنوان دیگری و جنس دوم، تلقی شده‌اند. همین امر باعث می‌شود که اشعار و شخصیت خود شاعر به مسئله‌ای قابل مطالعه تبدیل شود. اما جامعه‌ی زمان فرخ‌زاد از پذیرش چنین بینش‌هایی که بسیار تازه و نو بوده، سر باز می‌زند و طبعاً یک نوآور، از لحاظ اجتماعی باید متنبه شود تا با گذشت زمان حرف‌ها و عقایدش مورد پذیرش قرار بگیرد.

در این پژوهش از این اضطراب‌ها به‌عنوان اضطراب «جنس دوم» یاد می‌کنیم. به جز این دو شاعر ممکن است بسیاری از دیگر

زنان نیز در ناخودآگاه خود نوعی دلهره و اضطراب داشته باشند. تا جایی که برخی از زنان مجبورند برای این که مورد پسند مردان قرار بگیرند خود را تغییر دهند یا حرف‌هایشان را نگویند. ناگفته نماند خودآگاه مجموعه‌ای از عواطف و حالاتی است که در قسمت روشن ذهن قرار دارد و ناخودآگاه قسمتی است که پس از طی مدتی کوتاه در زیر لایه‌های ذهن پنهان می‌شده و فراموش می‌شود اما از بین نمی‌رود. اضطراب‌هایی که در نقد آثار این دو زن وجود دارد تنها به اضطراب جنس دوم خلاصه نمی‌شود آن‌ها دلهره‌های دیگری چون اضطراب وطن، تنهایی و مرگ را نیز دارند. البته غاده از غربت به ظاهر پُر زرق و برق خود نیز در رنج است و بارها اشاره می‌کند که از غربتش احساس رضایت نمی‌کند. فروغ و غاده به‌عنوان دو روشنفکر و انسان مدرن نه تنها برای وطن خویش نگران‌اند بلکه اضطراب جامعه‌ی جهانی و بشریت را نیز یدک می‌کشند؛ زیرا این دو حس مسئولیت دارند و این مسئولیت خاصیت انسان مدرن و از شاخصه‌های اگزیستانسیالیست است. می‌دانیم که انسان در برابر خود و دیگران مسئول است. او تصویری خاص از انسان برگزیده‌ی خود را می‌آفریند و در انتخابش انسان بودن را برمی‌گزیند. این امر به ما یاری می‌دهد تا محتوای واژه‌هایی چون اضطراب، اندوه، پوچی، یأس و مرگ را بهتر درک کنیم. زیرا اگزیستانسیالیست ثابت می‌کند که انسان مضطرب است، اضطرابی که از آن به‌عنوان اضطراب ابراهیم یاد می‌کند. اضطرابی که هر چقدر آن‌را کتمان کند باز هم در او جاری است. انسان با گزینش‌های خود، خود را درگیر می‌کند و درمی‌یابد که نه تنها خود را برگزیده، بلکه با قانونش همه‌ی بشریت را درگیر کرده است. در نتیجه نقطه‌ی اوج در شکل‌گیری جهانِ مدرن، اصلِ انسان‌گرایی

است. انسان چنان به خودباوری می‌رسد که قصد دارد هدایت‌گر کائنات باشد. بی‌اعتمادی انسان به مذهب و کلیسا او را انسانی خودمختار و تک‌رو بار می‌آورد. انسانی که می‌خواهد سرنوشت را خود به دست گیرد. او خود را محور همه چیز دانسته تا اندک‌اندک خود را مسئول هر اتفاقی که می‌افتد بداند. این خود زیربنای فلسفه‌ی اگزیستانسیالیست است.

این فلسفه از انسان می‌خواهد که با وجود تمامی جبرهایی که در زندگی دارد انتخابی اصلح و آگاهانه داشته باشد. او خود می‌تواند سرنوشتش را تغییر دهد. شاید یکی از دلایل عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه یافته همین باشد که اکثر اتفاقات جوامع خود را متأسفانه به قسمت نسبت می‌دهند. دقیقاً چیزی که غاده و فروغ مد نظر دارند این است که با بسیاری از خرافات مبارزه کنند و در این راه، هم حضور مردان الزامی است و هم زنان. این دو قصد دارند با اعتراضی که در اشعارشان می‌آورند وضع موجود انسان جامعه‌ی خود را تغییر دهند. این دو از تبعیض در جنس خود شروع کرده و خواستار تغییر وضع زنان هستند. اولین گام آن، انسان دانستن زن است، و غاده‌السمان و فروغ و امثال این‌ها، با درکی ژرف از این تبعیض و پیامدهای آن خود را فدایی آرمان بزرگ انسان‌گرایی خویش کرده‌اند.

این دو با شعر خود ثابت کرده‌اند که زنان نه تنها ضعفی ذاتی ندارند بلکه می‌تواند در زمینه‌های مختلف ادبی و هنری پایه‌پای مردان حرکت کنند و گاهی حتی بالاتر از آن‌ها نیز گام بردارند. در این پژوهش نشان خواهیم داد که زنان چگونه اضطراب‌هایی دارند و چرا این اضطراب‌ها در زنان بیشتر از مردان است. علاوه بر آن نمودی از اضطراب‌هایی که فروغ و غاده در شعر دارند را نیز

مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در این راه از دیوان فروغ فرخزاد و کتاب‌های شعر غادةالسمان که به زیبایی با همت دکتر فرزاد ترجمه شدند بیشتر بهره گرفته‌ام. از سویی عدم دسترسی به همه‌ی منابع عربی از دیگر مشکلات تحقیق بوده است و از سویی دیگر به نظر می‌رسد تعداد اشعار ترجمه شده‌ی جهان معاصر عرب در ایران انگشت شمار است و امید است که در این زمینه شاهد پیشرفت روز افزون باشیم.